

2473

۱
۳۲
ص ۱

فضائلِ حمدری علیہ السلام

شامل ۱۱۰ فضیلت و معجزہ از امیر المؤمنین علیہ السلام

الحمد لله
الرحمن
الرحيم

www.KitaboSunnat.com

اللمحکم صل علی محمد وآل محمد

سرشناسه	: منصورى، محمدرضا، ۱۳۶۴
عنوان	: فضائل حیدری
مشخصات نشر	: اتقان ۱۳۹۷
مشخصات ظاهری	: ۳۲۰ ص
شابک	: ISBN: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۹۸-۴۹-۵
بازداشت	: کتابنامه
موضوع	: امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، امام اول
موضوع	: فضیلت‌ها، معجزات
رده بندى کنگره	: ۱۳۹۷، م م ۵/ب/۲۳۴ BP
رده بندى دیو	: ۲۹۷/۴۶۰
شماره مدرک	: ۴۸۷۷۶۲۱

فضائل حسب حدی

شامل ۱۱۰ فضیلت و معجزه از امیرالمؤمنین (علیه السلام)

مولف: محمدرضا منصورى

ناشر: اتقان

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۷

چاپخانه: پاسدار اسلام

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۲۴۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۹۸-۴۹-۵

مرکز پخش: هادی منصورى ۰۹۱۲۵۵۱۰۱۴۱

آدرس: قم، خیابان انقلاب، کوچه ۲۵، پلاک ۴۷

«حق چاپ برای مولف محفوظ است»

فهرست مطالب

۱۱	 دیباچه
۱۴	 قصه پر غصه
۲۵	 توضیح نکاتی پیرامون مجریه
۳۱	۱- ثواب نوشتن و خواندن فضائل امیرالمؤمنین علی علیه السلام
۳۲	۲- این چه شترانی است و بار آنها چیست؟
۳۳	۳- خواب فاطمه بنت اسد
۳۵	۴- کودک خوش اقبال و فرخنده
۳۶	۵- کودک بت شکن
۳۷	۶- جوانمرد نوجوانان
۳۷	۷- لقب «قُصَم» برای امیرالمؤمنین علیه السلام
۳۹	۸- کودکی در گهواره
۴۰	۹- احترام ملانکه به امیرالمؤمنین علیه السلام
۴۱	۱۰- امیرالمؤمنین علیه السلام محبوب جبرئیل
۴۲	۱۱- امیرالمؤمنین علیه السلام پیدا شد

- ۱۲- امیرالمؤمنین علیه السلام و طوفان نوح علیه السلام ۴۴
- ۱۳- آرزوی ابراهیم خلیل علیه السلام ۴۵
- ۱۴- مقام امیرالمؤمنین علیه السلام ۴۶
- ۱۵- بهترین عبادت نگاه به چهره امیرالمؤمنین علیه السلام است ۴۸
- ۱۶- مرغ بریان و آینده عایشه ۵۰
- ۱۷- ای حران! به آن کس که تو را شفا داد ایمان بیاور ۵۳
- ۱۸- یا محمد! آیا می دانی این تصویر کیست؟ ۵۶
- ۱۹- به به! از مثل تو ای سر ابوطالب علیه السلام! ۵۷
- ۲۰- خوراک و پوشیدی فرسنگان آسمان ها ۵۸
- ۲۱- آفرینش علی بن ابی طالب علیه السلام بیش از خلقت ۵۹
- ۲۲- یا محمد! به پایین نگاه کن ۶۱
- ۲۳- نوشته شدن نام امیرالمؤمنین علیه السلام بر همه اشیاء ۶۴
- ۲۴- یا اباالحسن! این جایگاه اهل ذمه است که تو را دوست می دارند .. ۶۴
- ۲۵- سلام ما را به علی بن ابی طالب علیه السلام برسانید ۶۵
- ۲۶- یا محمد! بگو: اگر خدا و علی بن ابی طالب علیه السلام بخواهند ۷۴
- ۲۷- استمداد پیامبران علیهم السلام از امیرالمؤمنین علیه السلام ۷۴
- ۱- علی علیه السلام و کشتی نوح علیه السلام ۷۶
- ۲- علی علیه السلام و پیشگویی حضرت داود علیه السلام ۷۹
- ۳- علی علیه السلام و استمداد حضرت سلیمان علیه السلام ۸۰
- ۲۸- امیرالمؤمنین علیه السلام و طایفه ای از جنیان ۸۱
- ۲۹- امیرالمؤمنین علیه السلام و روشنایی زمینیان ۸۷
- ۳۰- یا محمد! به علی بن ابی طالب علیه السلام بگو من او را دوست دارم و ۸۸
- ۳۱- یا محمد! علی علیه السلام را حاضر کن و او را روبه روی خود بنشان ۹۰

- ۳۲- محبین و دوستان امیرالمؤمنین علیه السلام روز قیامت ۹۱
- ۳۳- غلام سیاهی که علی بن ابی طالب علیه السلام را دوست می داشت ۹۶
- ۳۴- نجات جبرئیل به دست علی بن ابی طالب علیه السلام ۹۷
- ۳۵- ای سلمان! در آن بیابان که گرفتار شیر درنده شدی چه کسی تورا نجات داد؟ ۹۹
- ۳۶- لقب «امیرالمؤمنین» برای علی بن ابی طالب علیه السلام پیش از خلقت ۱۰۲
- ۳۷- آری! همه آسمان ها و زمین به خاطر غضب امیرالمؤمنین علیه السلام لرزیدند ۱۰۳
- ۳۸- یا محمد! دوستی علی بن ابی طالب علیه السلام را از هیچ کس معاف نکرده ام ۱۰۴
- ۳۹- پسرعمو من، علی بن ابی طالب علیه السلام ۱۰۹
- ۴۰- پاداش آن را به امیرالمؤمنین علیه السلام و شیعیان آن حضرت تقدیم می کنم ۱۱۰
- ۴۱- آگاه باشید کسی که علی علیه السلام را دوست داشته باشد ۱۱۲
- ۴۲- ای رسول خدا! چرا همیشه علی علیه السلام را بر ما برتری می دهی؟ ۱۱۶
- ۴۳- ای اُمّ مِلْدَم! از ایشان خارج شو ۱۱۸
- ۴۴- یا رسول الله! اگر آن دو، دشمن پسرعمویم نبودند غیرتم اجازه نمی داد پایشان را گاز بگیرم ۱۱۹
- ۴۵- باز هم نمی توانی مرا بکشی! ۱۲۳
- ۴۶- ای اعرابی! آن روباه را بیاور ۱۲۴
- ۴۷- یا علی علیه السلام! پاسخ نوجوان را بده و حاجتش را برآور ۱۲۸
- ۴۸- کور شدن شخص ناصبی ۱۳۳
- ۴۹- یا علی! همانا خداوند متعال ما را به تو بخشیده است ۱۳۷
- ۵۰- شهادت دادن سنگریزه در دست مبارک امیرالمؤمنین علیه السلام ۱۴۲
- ۵۱- تسبیح گفتن جام در دستان مبارک حضرت علی علیه السلام ۱۴۳
- ۵۲- چرا برادر و پسرعمویم علی بن ابی طالب علیه السلام را در اینجا نمی بینم؟! ۱۴۴

- ۵۳- ای جابر! آیا این موج را دیدی؟..... ۱۴۷
- ۵۴- حجت الهی بر فرعون، علی بن ابی طالب علیه السلام بود..... ۱۴۸
- ۵۵- چه مدت است که از آن شهر طیبه بیرون آمده‌ای؟..... ۱۵۰
- ۵۶- محبان جانی و مالی ما این گونه می‌باشند..... ۱۵۳
- ۵۷- یا اباالحسن! چرا اشک می‌ریزی؟..... ۱۶۴
- ۵۸- پناهندگی کیوتر به امیرالمؤمنین علیه السلام..... ۱۸۲
- ۵۹- سخن گفتن ماهیان با امیرالمؤمنین علیه السلام..... ۱۸۴
- ۶۰- امیرالمؤمنین علیه السلام و غذای ساده..... ۱۸۵
- ۶۱- تکلم ازها با امیرالمؤمنین علیه السلام..... ۱۸۶
- ۶۲- سلام اصحاب کتف و مکانات کتمان حق..... ۱۸۷
- ۶۳- اسرار زمین در نزد علی علیه السلام..... ۱۹۲
- ۶۴- شجاعت امیرالمؤمنین علیه السلام از زبان عمر..... ۱۹۴
- ۶۵- یکی از فرزندان نامشروعی که موجب امیرالمؤمنین علیه السلام شد..... ۱۹۵
- ۶۶- دشمنان امیرالمؤمنین علیه السلام مشکل جدی دارند..... ۲۰۰
- ۶۷- به به، آفرین! کیست مانند شیعیان علی بن ابی طالب علیه السلام..... ۲۰۱
- ۶۸- کسی با علی بن ابی طالب علیه السلام دشمنی نمی‌کند مگر اینکه فرزند نامشروع باشد..... ۲۰۴
- ۶۹- امیرالمؤمنین علیه السلام و ابلیس ملعون..... ۲۰۵
- ۷۰- برگشت آفتاب در سرزمین بابل به دست امیرالمؤمنین علیه السلام..... ۲۰۷
- ۷۱- اتصال معنوی شیعیان..... ۲۰۹
- ۷۲- غم غمین علی علیه السلام..... ۲۱۰
- ۷۳- خارج کردن شتر ثمود..... ۲۱۲
- ۷۴- به کشور یمن برو و از وادی برهوت سؤال کن..... ۲۱۹

- ۷۵- ای عمو! برخیز..... ۲۲۱
- ۷۶- ای پسر! دست از امیرالمؤمنین علیه السلام بردار..... ۲۲۴
- ۷۷- ای طاووس! پایین بیا..... ۲۲۷
- ۷۸- ای نهنگ! چرا حضرت یونس علیه السلام در شکم تو زندانی شد؟..... ۲۳۰
- ۷۹- آیا شما جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله هستید؟..... ۲۳۳
- ۸۰- ای جوان! چه کسی تو را کشته است؟..... ۲۳۶
- ۸۱- اگر تو ناشی زندگی برای ما مفهومی ندارد..... ۲۴۳
- ۸۲- ای مرد! پدر و مادرت را از بنی اسرائیل چند خریده‌ای؟..... ۲۴۶
- ۸۳- گفتگوی امیرالمؤمنین علیه السلام با کودک شش ماهه..... ۲۴۸
- ۸۴- رسیدن پسرزن به وصال فرزند خود..... ۲۵۰
- ۸۵- ای باد! ریک‌ها را از روی سنگ پراکنده ساز!..... ۲۵۳
- ۸۶- رکوع و سجده نمودن در دست پدر به همراه حضرت علی علیه السلام..... ۲۵۵
- ۸۷- سنگینی این دیوار کمتر از سنگی لقمه‌ای است که در دست راست دارم..... ۲۵۷
- ۸۸- آن تکه سنگ را پیش من بیاور..... ۲۵۹
- ۸۹- به سراغ علی بن ابی طالب علیه السلام برو..... ۲۶۱
- ۹۰- هزار بار جان من فدای علی علیه السلام..... ۲۶۳
- ۹۱- خداوند! خانواده و اموال او را حاضر فرم..... ۲۶۷
- ۹۲- آیا در مورد علی علیه السلام سخن می‌گویی؟ خداوند دهانت را بشکند!..... ۲۷۰
- ۹۳- دشمنی تو با این مرد چه اندازه است؟!..... ۲۷۳
- ۹۴- بنویس به حساب علی بن ابی طالب علیه السلام..... ۲۷۷
- ۹۵- مگر به خاطر نبوت من و اقرار به ولایت علی علیه السلام..... ۲۷۹
- ۹۶- اگر از دوستان من باشی در آتش نخواهی سوخت..... ۲۸۲
- ۹۷- سخن ابلیس در مورد گروهی که به امیرالمؤمنین علیه السلام دشنام می‌دادند! ۲۸۵

- ۹۸- یا امیرالمؤمنین! آیا شما هم از آن پادشاهی و سلطنت بهره‌ای دارید؟... ۲۸۷
- ۹۹- شما تحمل دیدن یکی از آنها را هم ندارید و کافر می‌شوید!..... ۲۹۲
- ۱۰۰- مقداد! شمشیر مرا بیاور..... ۲۹۴
- ۱۰۱- عبور یهودی بر روی آب با خواندن اسم اعظم الهی..... ۲۹۵
- ۱۰۲- علم امیرالمؤمنین علیه السلام و علم وصی حضرت سلیمان علیه السلام..... ۲۹۶
- ۱۰۳- میوه‌دار شدن درخت خشکیده به دستور امیرالمؤمنین علیه السلام..... ۲۹۷
- ۱۰۴- منم شیر و پدر یازده شیر بچه..... ۲۹۸
- ۱۰۵- گریه مرد یهودی از غم هجران امیرالمؤمنین علیه السلام..... ۳۰۱
- ۱۰۶- روباهی در جنگ شیر..... ۳۰۳
- ۱۰۷- علم تمام کتاب در نزد امیرالمؤمنین علیه السلام..... ۳۰۴
- ۱۰۸- عذاب دشمنان امیرالمؤمنین علیه السلام..... ۳۰۵
- ۱۰۹- چگونه کنار جسد خود حضور نداشته باشد؟!..... ۳۰۸
- ۱۱۰- عذاب ابن ملجم..... ۳۰۹
- کتاب نامه..... ۳۱۳

دیباچه

«الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على خير خلقه
محمد و آله الطاهرين المعصومين و اللعنة الدائمة على اعدائهم و
مخالفهم و غاصبي حقوقهم و منكرى فضائلهم اجمعين الى يوم
القيامة و عجل الله تعالى في فتح مولانا صاحب العصر و الزمان و
جعلنا من اعوانهم و انصارهم»

نوشتن و سخن گفتن درباره امیرالمؤمنین (علیه السلام) که ابعاد شخصیتی
او فراتر از افق فکر و بالاتر از شعاع اندیشه می باشد، کاری بس دشوار
است؛ زیرا احاطه بر کمالات و فضایلش غیر ممکن است.
نه زبان را توان بیان اوصاف حمیده اش، و نه قلم را یارانی ترسیم
مناقب پسندیده اش باشد.

اما با استعانت از خدای متعال و با چنگ زدن به دامن لطف امام
منتظر فارس الحجاز حجة بن الحسن المهدی عجل الله تعالى فرجه
الشریف نمی ازیمی از فضائل حضرت را به رشته تحریر در می آورم و

همچنین با توجه به حدیثی که رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

«هنگامی که مؤمن از دنیا می‌رود و پس از خود برگی از دانش بر جای می‌گذارد، این برگه حائلی میان او و آتش می‌گردد و خدای متعال به هر حرفی از حروف که بر آن نوشته شده، شهری در بهشت به او عطا می‌کند که وسعت آن هفتاد برابر دنیا است.»^۱

در حدیث زیبایی که امام صادق (ع) به مفضل فرمودند:

«دانش خود را بنویس و میان برادرانت پخش کن و به هنگام مرگ کتاب‌های خود را برای فرزندان به ارث بگذار؛ چرا که زمانی بر این مردم فرا خواهد رسید که آشوب و فتنه همه را خواهد گرفت و مردم فقط با کتاب‌هایشان مأنوس خواهند شد.»^۲

[یعنی امامشان در پس پرده غیبت خواهد ماند و فقط از طریق

کتاب‌های پیشینیان هدایت خواهند یافت.]

با توجه به دو روایت مذکور، حقیر نیز دست نوسل به مولای جن و انس امیرالمؤمنین (ع) دراز کرده و ذخیره‌ای برای شب اول قبر و

۱- الامالی الصدوق ۹۱، الدعوات الراوندی ۲۷۵، روضة الواعظین ۸، الفصول المهمة

۴۷۸/۱، بحار الانوار ۱/ ۱۹۸، وسایل الشیعة ۲۷/ ۹۶.

۲- الکافی ۵۲/ ۱، کشف المحجبه لثمرة المهجة ۳۵، الفصول المهمة ۱/ ۵۲۳،

بحار الانوار ۲/ ۱۵۰، وسایل الشیعة ۲۷/ ۸۱.

قیامت می‌کنم و امیدوارم ان شاء الله مورد رضایت خداوند و پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام قرار بگیرد.

«حسن بن زکردان» می‌گوید: از امیرالمؤمنین علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«هیچ بنده‌ای نیست که بنده‌ای را به سوی شناخت اهل

بیت من ارشاد و راهنمایی کند جز آنکه خدای مَنان

فرشته‌ای را به سوی او - در آن روزی که از قبرش خارج

می‌شود - می‌فرستد. فرشته او را بر روی بال خود حمل

می‌کند تا اینکه در توقفگاه محشر می‌ایستد، آنگاه هاتقی

ندا می‌کند. هر که این بنده را می‌شناسد، بیاید.»

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«همه آنهایی که او را می‌شناسند جمع می‌شوند، آنگاه

خدای مَنان می‌فرماید: به هر کدام از اینان از

لباس‌های فاخر بهشتی بپوشاند و بر سرشان تاج کرامت

بهشتی بگذارد.»

سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«یا بُنَّی! حَرِّضَ النَّاسَ عَلَی حَبِّ اَهْلِ بَیْتِنَا؛

فرزندم! مردم را بر مهر و محبت خاندان ما تشویق و

ترغیب فرما.»^۱

امام حسن عسکری علیه السلام می فرمایند:

«کسی که ما خاندان را با قلبش دوست بدارد و با دست و زبانش یاری نماید، او در روز قیامت در غرفه ای که ما هستیم قرار خواهد گرفت...»^۱

بر این اساس، علاقه مند شدم قطره ای از فضائل و معجزات مولای عالمیان حضرت حیدر کرار علیه السلام را به رشته تحریر در آورم.

قصه پر غصه

اما خدایم شاهد است و به مولایم امیرالمؤمنین قسم! بغضی گلویم را می فشارد و به من نمایان می کند که در ابتدا از قصه پر غصه مظلومیت مولا و خانه نشینی او سخن بگیریم.

شاید مناسب نباشد که در این مقدمه یادی از مظلومیت و خانه نشینی و ستم هایی که به حضرت کردند شود، و بازگو کردن آن مربوط به مباحث دیگر باشد؛ اما چه کنم که نمی توانم و آرایش درونی ام را فقط منحصر در بازگو کردن آن می بینم.

او با ایمانش، با علمش، با تقوایش، با شجاعت و شمشیرش، با مدیریت و تدبیرش، شایسته ترین انسان برای برقراری حکومت عادلانه در دوران پس از شهادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود. اما آنانکه دنیاپرستی را به جای خداپرستی، فتنه گری را به جای امنیت، و فریب کاری را به

جای مدیریت برگزیده بودند، به یقین عدالت او را بر نمی تافتند و حکومت الهی او را تاب و تحمل نداشتند.

وی را خانه نشین کردند تا خود بر مسند قدرت نشینند، خلع سلاح نمودند تا مصالح دنیایی و مطامع نفسانی خویش را بی مزاحمت او به کف آورند.

می دانستند که او خار خلیده در چشم را تحمل می کند و از حق خویش چشم می پوشد، اما حاضر نیست چشمه های هدایت بخشکد. می دانستند که او استخوان مانده در گلو را تاب می آورد و محرومیت از همه حق و حقه خویش را می پذیرد، اما حاضر نیست گلوی حقیقت فشرده شود و حق به مخاطره افتد.

خود حضرت در ماجرای غیب خلافت فرمودند:

«به خدا سوگند! او - پسر ابی شحافه - عبای خلافت را بر تن کرد، در حالی که خود می دانست نقش من در گردش حکومت اسلامی همچون محور سنگ آسیاب است که بدون آن چرخشی پدید نمی آید.

او می دانست که سیل ها و چشمه های علم و فضیلت از دامن کوهسار وجودم جاری است، و مرغان در پرواز اندیشه ها به افکار بلند من راه نتوانند یافت.

پس من عبای خلافت را رها ساختم و دامن خود را از آن دریچیدم و کناره گرفتم، در حالی که در این اندیشه بودم

آیا دست تنها، بدون یاور بپاخیزم و حق خود و مردم را بگیرم، یا در این محیط پر خفقان و ظلمت آلودی که پدید آورده‌اند، صبر کنم؟ محیطی که پیران را فرسوده، جوانان را پیر و مردان با ایمان را تا واپسین دم زندگی به رنج وامی‌دارد.

عاقبت به این نتیجه رسیدم که بردباری و صبر به عقل و حرد نزدیک‌تر است، لذا شکیبایی ورزیدم، ولی به کسی می‌مانم که خاشاک چشمش را پر کرده و استخوان، راه گریش را گرفته است و با چشم خود می‌دیدم که حق و میراثم را به غارت می‌برند»^۱

و در جای دیگر فرمودند:

«اگر سخن بگویم و حقم را مطالبه کنم، می‌گویند: بر ریاست و حکومت حریص است و اگر دم فرو بندم و ساکت بنشینم، خواهند گفت: از مرگ می‌ترسد! اما هیاهات! پس از آن همه جنگ‌ها و حوادث، این گفته بسی نارواست.

به خدا سوگند! علاقه فرزند ابوطالب به مرگ، از علاقه طفل شیرخوار به پستان مادر بیشتر است. اما من از علوم و حوادثی آگاهم که اگر بگویم، همانند طناب‌های

آویزان شده در چاه‌های عمیق به لرزه درآید.»^۱

عمق مظلومیت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را در همین سخنان دردآور می‌توان یافت. به راستی چه زمینه چینی‌هایی قبل از شهادت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) صورت گرفته بود که بلافاصله پس از آن جوّی چنین مسموم، فضایی اینقدر تاریک و محیطی این گونه خفقان‌آلود ایجاد کردند که طراوت را از جوانان می‌ربود و فرسودگی را بر پیران عارض می‌نمود!

به راستی چه تبلیغات کور و کرکننده‌ای را بر علیه حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به راه انداخته بودند که همه تاریخ افتخارآمیز رشادت‌ها و جانبازی‌های او را در پرده کتمان قرار داده و تهمت ترس و عافیت‌طلبی را علیه او رایج کرده بودند!

بی‌تردید همه عظمت‌های حضرت علی (علیه السلام) و همه ارزش‌های وجودی آن بزرگوار تحت الشعاع همین صبر و ایثار حضرت است که از خود نشان دادند. مقاومت در برابر این همه ظلم، تحمل این همه مظلومیت، گذشتن از همه چیز و همه کس، به گونه‌ای که زهرایش (علیه السلام) را پیش چشمانش کتک زده و شهیده نمایند و او انتقام نگیرد، تا مبدا اسلام آسیب بیند.

آیا پاکبختگی در راه خدا و جانبازی برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) جز او

مصدق کاملی می تواند داشته باشد؟ به یقین فرشتگان خدا هم در برابر این همه از خود گذشتگی و استقامت مبهوت مانده اند.

مظلومیت علی علیه السلام در گفتارهای خود او مورد تصریح قرار گرفته است آنجا که می فرماید:

«به خدا سوگند! از هنگام شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله تاکنون همواره از حق خویش محروم مانده ام و دیگران به ناحق بر من مقدم داشته شده اند»^۱.

آقای که پیش از این پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روضه خوان مظلومیت او بوده است؛ آنجا که قبل از شهادت خویش در روایتی طولانی نکات بسیاری از فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام را بر می شمارد و در پایان بی اختیار به گریه می افتد. وقتی از ایشان سؤال می شود: ای رسول خدا! چرا گریه می کنید؟ می فرماید:

«جبرئیل به من خبر داد که کینه ررزان پس از من بر علی علیه السلام ظلم می کنند و حقش را از او می گیرند و با او جنگ می کنند و فرزندانش را شهید می نمایند و پس از او بر خاندانش ستم های فراوان روا می دارند».

در روایتی دیگر از ابن عباس چنین نقل شده است:

۱- نهج البلاغه خطبه ۶ ج ۱ / ۴۱.

۲- الامالی الطوسی ۳۵۱؛ الطرائف ۵۲۲؛ مناقب الخوارزمی ۶۲؛ الصراط المستقیم ۲

/ ۸۷؛ ینایع المودة ۴۰۵ / ۱؛ بحار الانوار ۳۷ / ۱۹۲.

پیش از شهادت پیامبر ﷺ به خدمت آن حضرت شرفیاب شدم
و عرض کردم: پدر و مادرم فدای شما، ای رسول خدا! حال که اجل
شما نزدیک است، ما را به چه امر می‌فرمایید؟
حضرت فرمودند:

«ای پسر عباس! با هر کسی که مخالف علی علیه السلام است
مخالفت کن و هرگز با آنها همکاری ننما و ایشان را به
دوستی مگزین».

گفتم: ای رسول خدا! پس چرا مردم را به ترک مخالفت با
علی علیه السلام امر نمی‌نمایید؟ حضرت بسیار گریست، تا آنجا که از حال
رفت، پس از آن فرمودند:

«ای پسر عباس! تقدیر الهی و علم خداوند پیش از این
درباره آنان صورت گرفته است.

سوگند به خدایی که مرا به رسالت مبعوث فرموده! هیچ
یک از مخالفین و منکرین حق او را دنیا نمی‌روند مگر
اینکه خداوند نعمت‌هایش را از جمله ایمان‌شان را دگرگون
می‌سازد.

ای پسر عباس! اگر می‌خواهی خدا را با رضایت او
ملاقات کنی، پیرو علی علیه السلام باش، به هر کجا که او روی
می‌کند تو هم روی کن، به امامت او راضی باش،
دشمنان او را دشمن و دوستان او را دوست بدار.

ای پسر عباس! برحذر باش از شکی که درباره او پیدا کنی؛ زیرا شک درباره علی علیه السلام کفر به خداست.^۱
 آری، از مظلومیت امیرالمؤمنین علیه السلام همین بس که منافقان و دشمنان در زمان حکومت و سلطنت غاصبانه خود به وسیله ایادی و محدثان دروغگو و دجال و عمال خود تا توانستند فضائل آن حضرت را کتمان و محو کردند، و دوستان آن حضرت را از کار برکنار نموده و حق را از بین بردند.

آنان که شیدان تا نور خدا را خاموش نمایند. آنها حق را نابود و باطل را رواج دادند ولی سنت الهی بر آن است که یاوران خود را یاری دهد و حق را همچون آفتاب، تابان نماید.

﴿یریدون لیطفوا نور الله بأفواههم والله متم نوره ولو کره الکافرون﴾^۲

«اراده می نمایند که فرو نشانند و خاموش گردانند نور خدا را با دهان های خود، مانند کسی که می خواهد نور آفتاب را با باد دهان فرو نشاند! و خدا تمام کننده است نور خود را، هر چند که کافران کراهت داشته باشند».

بر اثر سخت گیری دشمنان، مرقد مطهر حضرت از اول مخفی

۱- الامالی الطوسی ۱۰۶؛ کشف الغمة ۷/ ۲؛ کشف الیقین ۴۶۴؛ بشارة المصطفی

۷۸؛ مدینة المعاجز ۸/ ۲؛ بحار الانوار ۸۳/ ۲۸.

۲- سورة الصف ۸.

شد و نام او از زبان‌ها افتاد و هیچ کس جرات نداشت فضائل حضرت را نقل نماید، بلکه سال‌های سال دشنام و بدگویی به آن مظلوم عالم رواج یافت و در مساجد به وسیله ناسزا به او به خدا تقرب می‌جستند!!! سلاطین - خصوصاً معاویه لعین - پول‌هایی را میان محدثان تقسیم کردند تا حدیث فضیلتی درباره حضرت نقل نشود و کسی از او به خوبی یاد نکند و کار به جایی رسید که هر کس فضیلتی از حضرت بیان می‌کرد گردن او را می‌زدند، حتی اینکه به جرم دوستی با حضرت و به جرم شیعه بودن، شیعیان و دوستان حضرت را لابه‌لای دیوارها قرار می‌دادند و آنها را این گونه زنده به گور می‌کردند!

اما امیرالمؤمنین علیه السلام همچون خورشید تابان نورش آشکار شد، قبر شریف او مزار شیعیان گردید و فضائل بی‌شمارش منتشر گشت.

از «شافعی» یکی از علماء بزرگ عامه، درباره فضائل علی بن ابی طالب علیه السلام سؤال شد، در جواب گفت:

«من چه بگویم درباره مردی که دوشانش فضائل او را از ترس کتمان کردند و دشمنانش به خاطر علم و حسد آنها را پنهان نمودند، ولی در میان این دو کتمان همچنان فضائل او جهان را پر کرده است»^۱.

آری، نور خدا خاموشی ندارد و همیشه فروزان است.

باز از او بگوئیم:

دادگستری که به عدالت امر کرد و خود به آن عمل نمود، بلکه در حقیقت مظهر عدل بود و به سبب آن در محراب عبادت شهید شد و فرمود:

«سوگند به خدا! اگر اقلیم‌های هفتگانه را به من دهند و در مقابل از من بخواهند که پوست جویی را از دهان موری بگیرم، هرگز چنین نکنم».^۱
و فرمودند:

«اگر شب تا سحر بر روی خارها بخوابم یا مرا در زنجیر کشند، برای من بهتر است از آنکه خدا و رسولش را ملاقات کنم در حالی که به بعضی از بندگان خدا ستم کرده باشم».^۲

رهبر و مولایی که هرگز نیازمندان و مستعدان جامعه را از یاد نبرد. در خوراک و پوشاک همانند آنها بود و می‌فرمود:

«من از دنیای شما به دو لباس که به من از غذا، به دو قرص نان اکتفا کردم».^۳

دلآوری که در صحنه نبرد، برق شمشیرش سرنوشت جنگ را

۱- نهج البلاغه خطبه ۲۲۴ ج ۲/ ۲۱۸.

۲- نهج البلاغه خطبه ۲۲۴ ج ۲/ ۲۱۶.

۳- نهج البلاغه، نامه ۴۵ ج ۳/ ۷۰.

رقم می‌زد و گردن‌کشان را به خاک ذلت می‌نشانند و راهی دیار عدم می‌کرد. خاتون دو عالم فاطمه زهرا علیها السلام در وصف او می‌فرمایند:

«هرگاه مشرکین آتش جنگ را می‌افروختند، رسول خدا صلی الله علیه و آله برادرش امیرالمؤمنین علیه السلام را در میان آنها می‌فرستاد و او باز نمی‌گشت مگر اینکه دشمن را شکست داده و منکوب می‌ساخت».^۱

همان دلاوری که در جنگ نهروان دو هزار نفر از خوارج را به هلاکت رساند، در آن روز حضرت وارد میدان شد و آنچنان شمشیر زد که شمشیرش کج گردید، حضرت از میدان جنگ بیرون آمد و فرمودند:

«و لا تلمونی و لرموا؛ مرا ملامت نکنید بلکه این شمشیر را ملامت کنید!»^۲

بزرگ مردی که می‌فرمود:

«ذلیل نزد من عزیز است تا حق او را بیستام و قوی نزد من ضعیف است تا حق را از او بگیرم».^۳

۱- عوالم فاطمة الزهراء علیها السلام ۴۷۱ به نقل از امام علی امیرالمؤمنین علیه السلام حکومت تا شهادت ۲۱.

۲- نزهة الجلیس ۱/ ۱۶۶؛ الغیث المسجم ۲/ ۱۱۴ به نقل از شرح احقاق الحق ۸/ ۴۷۵ و جواهر المطالب ۲/ ۴۲؛ نفس الرحمن ۲۶۱ با اندک تفاوت.

۳- نهج البلاغة خطبه ۳۷ ج ۱/ ۸۹.

دلنوازی که کودکان یتیم و بی سرپرست را نوازش می‌کرد و هنگامی که می‌دید افسرده‌اند و گرد یتیمی بر چهره‌های آنها نشسته است، از دیدگانش اشک غم فرو می‌ریخت.

مولایی که ولایتش در صحف همه انبیاء مکتوب، و بر همه عالمیان واجب شده است. حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«ولایت علی علیه السلام در همه صحیفه‌های انبیاء نوشته شده و خدا هیچ پیامبری را نفرستاده مگر اینکه نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و وصایت علی علیه السلام به او ابلاغ شده است [و باید به آن اقرار نمایند].^۱
امام صادق علیه السلام فرمودند:

«ولایت علی علیه السلام برای من محبوب‌تر است از ولادتم از او؛ زیرا ولایت بدون ولایت نجات دهنده است، اما ولادت بدون ولایت چنین نیست».^۲

۱- الکافی ۴۳۷/۱؛ نوادر المعجزات ۷۱؛ الاختصاص المفید ۱۸؛ مناقب ابن شهر آشوب ۹۰/۲؛ بحار الانوار ۲۶/۲۸۰؛ تأویل الآیات ۵۶۵/۲.

۲- اعتقادات الصدوق ۱۱۲؛ الفضائل ابن شاذان ۱۲۵؛ الروضة ۱۳۳؛ بحار الانوار ۳۹/۲۹۹.

توضیح نکاتی پیرامون معجزه

چون این مجموعه در راستای ذکر معجزات امیرالمؤمنین علیه السلام است نیکوست مطالبی پیرامون «معجزه» بیان شود.

۱. معجزه به کار خارج العاده‌ای گفته می‌شود که مدعیان نبوت و امامت برای اثبات مدعای خود - ارتباط با خداوند و عالم غیب - می‌آورند و دیگران را نیز به مقابله و آوردن مثل آن دعوت می‌کنند و چون دیگران از آوردن همانند آن عاجز و ناتوانند بدان «معجزه» گویند، که دارای دو قسم «اثباتی»^۱ و «پیشنهادی»^۲ است.

۲. معجزه بر کارهایی که محال عقلی است تعلق نمی‌گیرد، بلکه به اموری تعلق می‌گیرد که به طور عادت و معمول محال به نظر می‌آید، اما عقلاً انجام آن محال نیست.

۳. آوردن معجزه و قدرت بر انجام آن یکی از نشانه‌های درستی و صدق نبوت پیامبران الهی و امامت امامان معصوم علیهم السلام است که خداوند در اختیار آنها قرار داده است، یعنی هر کس که مدعی نبوت و یا امامت بود یکی از نشانه‌هایی که صدق این ادعا را ثابت می‌کند

۱- همه پیامبران الهی و ائمه معصومین علیهم السلام برای اثبات ادعای خود از معجزات بدون درخواست کسی بهره گرفته‌اند.

۲- معجزاتی که با پیشنهاد مردم صورت پذیرفته است. این درخواست‌ها گاهی خالی از هر گونه غرض‌ورزی و لجاجت بوده و تنها برای کسب اطمینان و یافتن حقیقت صورت گرفته است.

آنست که اگر از او معجزه‌ای طلب کنند - که انجام آن از منظر عقل ممکن باشد - باید بتواند انجام دهد، که اگر مقدور او نبود معلوم می‌گردد دروغ‌گوست.

۴. معجزه و انجام آن، چیزی نیست که قانون علت و معلولیت و اسباب و علل را در جهان به هم زند و خارج از محدوده علت و معلول و سبب و مسبب باشد؛ زیرا به وجود نیامدن پدیده‌ای بدون علت و سبب نیست. است‌های قطعی الهی است، منتهی از آنجا که معمولاً علل و اسباب حوادث و پدیده‌های معمولی عموماً محسوس و ملموس است و در معجزات اینگونه نیست از این‌رو برای مردم عادی این گمان به وجود می‌آید که آنها بدون علت و سبب به وجود آمده‌اند، در صورتی که قرآن کریم برای همه حوادث جهان علت و سبب ذکر کرده و همه را معلول اراده و تقدیر الهی می‌داند، لذا اگر ما نتوانستیم این اسباب و علل مادی را درک کنیم حق نداریم آن را انکار نماییم.

۵. خداوند در قرآن معجزات فراوانی را برای رسولانش برمی‌شمارد، به عنوان نمونه: کشتی حضرت نوح علیه السلام^۱، اقامه حضرت صالح^۲ سرد شدن آتش بر حضرت ابراهیم علیه السلام^۳ و زنده کردن پرندگان

۱- الاعراف ۶۴.

۲- الاعراف ۷۳ و ۷۷.

۳- الانبیاء ۶۹.

چهارگانه به اذن خداوند متعال.^۱ پیراهن یوسف علیه السلام.^۲ عصای حضرت موسی علیه السلام،^۳ ید بیضاء^۴ و شکافتن دریا.^۵ نرم شدن آهن در دست حضرت داود علیه السلام و سخن گفتن او با پرندگان.^۶ سخن گفتن و تسخیر موجودات توسط حضرت سلیمان علیه السلام.^۷ حضرت عیسی علیه السلام و تکلم در گهواره، خلقت پرنده به اذن خدا، شفای کور مادرزاد و زنده کردن مردگان.^۸ معراج رسول خدا صلی الله علیه و آله،^۹ معجزه جاویدان قرآن،^{۱۰} شق القمر^{۱۱} و...

۶. بیان معجزه و سحر و جادو و چشم‌بندی و امثال آن تفاوت اساسی وجود دارد از جمله: معجزه به هر عملی که تعلق گیرد آن عمل به صورت واقعی در خارج وقوع می‌یابد، ولی سحر و جادو

۱- البقره ۲۶۰.

۲- یوسف ۹۳.

۳- الاعراف ۱۰۷.

۴- الاعراف ۱۰۸.

۵- الاعراف ۱۳۶.

۶- السباء ۱۰.

۷- السباء ۱۲ و ص ۳۶.

۸- المانده ۱۱۰ و آل عمران ۴۶ و ۴۹.

۹- الاسراء ۱.

۱۰- الکوثر ۱.

۱۱- القمر ۱.

حقیقت خارجی و واقعیت ندارد بلکه در نظر بیننده صورت می‌یابد. به عنوان مثال در داستان حضرت موسی علیه السلام و ساحران آنچه موسی علیه السلام انجام داد حقیقت داشت و عصا به صورت اژدهایی بزرگ و حیوانی درنده درآمد، اما مارهای ساحران در واقع جاندار نبود بلکه ریسمان‌ها و طناب‌هایی بودند که به وسیله داروهای شیمیایی به حیات و تحریر درآمده و به نظر مردم مارهایی جاندار شده بودند.

با توجه به این ۶ نکته، بی‌شک مخاطب ما در این کتاب کسانی هستند که به یگانگی پروردگار، علم و قدرت او، رسالت رسولان الهی، حقانیت قرآن و امامت ائمه اطهار علیهم السلام اعتقاد دارند، بر این اساس به صدور معجزه از پیامبران الهی و ائمه معصومین علیهم السلام - که نشانه صدق ادعای نبوت و امامت آنهاست - نیز اذعان و اعتقاد خواهند داشت.

لذا اگر کسی در صدور معجزه از پیامبران یا ائمه اطهار علیهم السلام شک و تردید دارد بایستی با او به ترتیب در مباحث توحید، نبوت، امامت و صدور معجزه از نبی و امام وارد بحث شد تا این مقوله برای او ثابت گردد، که اگر اهل انصاف بوده و مغرض نباشد قطعاً صدور معجزه از اولیاء الله علیهم السلام را خواهد پذیرفت.

لازم به ذکر است معجزات و فضائلی که در این کتاب نقل گردیده اکثر قریب به اتفاق از کتب معتبر و منابع اصیل و بعضاً - از باب قانده الزام خصم - از منابع مخالفین ذکر گردیده است.

نکته: مادر ذکر صلوات و تحیات پس از اسامی مقدسه
معصومین علیهم السلام تابع مصادر و منابع نبوده‌ایم.

امید دارم که این تلاش ناچیز مورد توجه امام همام فارس
الحاجز حضرت حجة بن الحسن المهدي عجل الله تعالی فرجه
الشریف قرار گیرد، ان شاء الله.

در پایان ثواب این اثر را به شفیعه محشر، صدیقه طاهره حضرت
فاطمه زهرا علیها السلام تقدیم می‌نمایم.

قم المقدسه،

العبد الحقیر الذی لا زاد له الا

محبة مولی العالمین امیر المؤمنین علیه السلام

جمادی الاول/ ۱۴۲۷ هـ ق